

اصل تساوی زن و مرد در احکام شرعی

(با رویکرد اصول فقهی)

گروه پژوهشی فقه و اصول

استاتید راهنمای سرکار خانم توحیدی و سرکار خانم طالقانی

نیره تاجیک

اعظم رحیمی

شکوفه چگینی

بی بی وحیده هاشمی

دنیا پورمند

چکیده

امروزه ، در تبیین احکام شرعی زنان، ابتدا «اختلافات احکام زن و مرد » مطرح می شود؛ این تقدم ، دو مطلب غلط را القاء میکند: ۱ - در احکام زنان، « اصل اولیه » عدم تساوی حقوق است؛ ۲- موارد اختلاف احکام زن و مرد، بسیار فراوان و بیشتر از موارد تساوی است.

عنوان مقاله حاضر « اصل تساوی زن و مرد در احکام شرعی » است که برابری این دو صنف در حقوق و تکالیف-آلما خرج بالدلیل - را اصل اولیه، «مبنای فقه»، فراتر از اصول عملی و اماره ، ضروری دین ؛ یعنی اثبات آن را بی نیاز از دلیل می داند؛ این اصل، همزاد فطرت ، مطابق بنای عقلاً و متدینان در طول تاریخ بوده و پشتونه آن آیات متعدد، روایات متواتر، اجماع قطعی علماء، سیره معصومان (ع)، ارتکاز مسلمانان، استقراء، استصحاب و... است. در منابع معتبر ، مقصود از « قاعدة اشتراک» همین اصل تساوی است.

برخی ضرورتهای بررسی این اصل چنین است: ۱- هنگام بروز «شک» در مسائل مستحدثه ی مربوط به احکام زنان، تا زمانی که دلیلی بر اختلاف زن و مرد پیدا نشود؛ با کمک این اصل ، به تساوی حکم می گردد. ۲- استقرانشان میدهد موارد اختلاف احکام دو صنف ، حدود ۱۷۱ مورد بوده و نسبت به موارد تساوی که هزاران حکم است، بسیار کم و در حد «استثناء» است و موارد تساوی زن و مرد «استثنای اکثر» نیست. ۳- اصل تساوی، بسیاری از شباهت فمینیسم را دفع می کند. ۴- در نظرات فمینیسم اسلامی تعادل ایجاد می نماید. ۵- اصل تساوی برای روایات معارضِ مربوط به احکام زنان، «مرجح» است.
کلیدواژه ها: اصل، مبنا، قاعدة اشتراک، تساوی احکام، ضروری دین.

مفهوم شناسی

برای ورود به بحث ابتدا باید برخی واژگان مرتبط با موضوع، مفهوم شناسی شود:

۱. اصل^۱ در لغت ریشه، پایه، اساس و قاعدة هرچیزی است^۲. در اصطلاح علوم، اصل چیزی است که چیز دیگری بر آن بنا می شود^۳ و در اصطلاح فقه و اصول در چند معنا به کار می رود: مقابله فرع، دلیل راجح و ظاهر، قاعدة و...^۴

۲. مبنا: از ریشه "بنی" و به معنای اساس، ریشه، بنیاد ، شالوده، محل بنای چیزی و... است.^۵ از نظر اصطلاح، منطق دانان، علوم را دارای سه جزء می دانند: موضوع، مسائل و مبادی. ایشان مبادی تصدیقی را به دو قسم اولی و غیر اولی تقسیم می کنند، مبادی غیر اولی که احتیاج به برهان نداشته و با حسن ظن متعلم، مورد قبول واقع گردیده و در علم دیگر اثبات می شوند، مبنا یا «اصل موضوعی» نام دارند، مثل موضوع حرکت که مربوط به علم فیزیک (طبیعتیات) است و در علوم دیگر به عنوان اصل موضوعی و مبنا، قبول می شود؛ در واقع. مبانی هر علم، باورهای بنیادی ای هستند که « اصول » و « قواعد » بر آنها استوار است.^۶ منظور ما از واژه «اصل» در این نوشتار، مترادف با «مبنا» است. «اصل تساوی» در «قواعد فقهیه» اثبات شده و در فقه و اصول فقه به عنوان اصل موضوعی مورد استفاده قرار می گیرد.

۱. واژه اصل در زبان فارسی معادل واژه انگلیسی principle است.

۲. ر.ک: ابن فارس، مقایيس اللげة/ ابن منظور، لسان العرب، مادة «اصل».

۳. محمد علی تهانوی، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، ماده «اصل».

۴. ر.ک: محمد علی تهانوی، همان /علی مشکینی، اصطلاحات اصول، ص ۵۶-۵۷/ محمد علی، انصاری، الموسوعة الفقهية الميسرة، ج ۳، ص ۴۸۱ مجتبی ملکی اصفهانی، فرهنگ اصطلاحات اصول، ج ۱، ص ۱۱۷.

۵. ابن فارس، معجم مقایيس اللげة/ ابن منظور، لسان العرب/ اسماعيل بن حماد الجوهري، الصحاح/ على اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا.

۶. ر.ک: هادی سبزواری، شرح المنظمه، تعلیق حسن زاده آملی، ج ۱، ص ۸۷-۸۸/ ملا عبدالله یزدی، حاشیه علی تهذیب المنطق، ص ۱۱۵-۱۱۹/ محمد علی تهانوی، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۱، ص ۱۰۶.

۳. قاعده: اصل و قانون کلی و منشأ و زیربنای استنباط قوانین دیگر است و از این قوانین در فقه و اصول به عنوان «قواعد اصولی وفقهی» تعبیر می‌شود.^۱ بر این اساس، اصل، فراگیرتر از قاعده است و قاعده دایره‌ای محدود تر دارد.^۲ به طور کلی ترتیب این اصطلاحات از کلی به جزئی چنین است: مبنا، اصل، قاعده و قانون، البته غالباً بین این واژگان تفاوت گذاشته نمی‌شود که نتیجه آن خلط میان مباحث و عدم دقت در نتیجه گیری‌ها است.

۴. تساوی: به معنای برابر شدن دو یا چند طرف و مانند همدیگر شدن، تعادل و یکسانی است.^۳

۵. قاعده اشتراک: یکی از پرکاربردترین قواعد اصولی است که فقه بر آن مبتنی شده و به این معنا است که اگر حکمی در اسلام برای عده‌ای اثبات شد، شامل همه مسلمانان، اعم از زن و مرد، عالم و جاهل، موجودین و متأخران و...تا روز قیامت می‌شود، مگر آن که در موضوع حکم، خصوصیات و قیدی باشد که آن را به شخص، صنف یا زمان خاصی مخصوص کند.^۴

- شرایط اجرای قاعده اشتراک:

۱. قابلیت توجه حکم به همه کسانی که اشتراک آن‌ها در حکم اراده شده است؛ بنابراین اگر بعضی از مکلفان فاقد این قابلیت باشند اثبات حکم برای ایشان با قاعده اشتراک ممکن نیست؛ مانند حکم جهاد ابتدایی که نمی‌تواند متوجه زنان باشد.

۲. اتحاد عنوان میان کسانی که حکم برای آن‌ها اثبات شده و کسانی که مجتهد، قصد اثبات حکم برای ایشان را دارد؛ مانند آن که اگر عنوان حکم «الرجل» باشد و تأثیر رجولیت در حکم احراز شود، شامل زن نخواهد شد، زیرا زن و مرد دو عنوان متفاوت هستند.^۵

پیشینه

تساوی انسانها، اصلی است که ریشه در عقل و فطرت آدمی دارد و همزاد خلقت او است. در طول تاریخ بشر، ادیان الهی مهم ترین منادیان تساوی همه انسانها در حقوق هستند که همواره انسان را به فطرت ارجاع می‌دهند؛ زیرا این اصل از اعتقاد به توحید و عدالت پروردگار، نشأت گرفته است که از اصول بنیادین تعالیم انبیاء است؛ از این رو کتب آسمانی، به برابری انسان‌ها نزد خداوند تأکید داشته‌اند. بنابر اسناد تاریخی موجود در متون غیر وحیانی، اولین بار سوفسیطائیان و بعد از آن افلاطون در قرن چهارم قبل از میلاد به برابری زن و مرد تصریح کرده‌اند.^۶

میان متون مقدس، قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی بیش از سایر ادیان بر اصل تساوی و نفی تبعیض تأکید نموده، به عنوان نمونه در آیه ۱۳ سوره حجرات، تنها ملاک فضیلت را تقوا شمرده است. سنت و سیره مucchoman (علیهم السلام) نیز آکنده از مطالبی در تأیید اصل برابری است. در علم فقه نیز همواره «قاعده اشتراک» که بر تساوی همه انسانها در تکلیف دلالت دارد، به عنوان مبنا در استنباط احکام شرعی، تکیه گاه مجتهدان قرار گرفته است. قاعده اشتراک در احکام، تقریباً در تمام کتب اصول فقه و قواعد فقهی به اجمال یا تفصیل، آمده است. کتاب «العنایون الفقہیه» از عبدالفتاح حسینی مراغی (۱۳۰۷ق) و «القواعد الفقہیه» از محمد حسن بجنوردی (۱۴۰۷ق) دو منبع مهم برای قاعده اشتراک می‌باشند.^۷

مجتهدان با استفاده از قاعده اشتراک در بسیاری از فروعات فقهی به تساوی حقوق و تکالیف زن و مرد حکم نموده‌اند؛ اما اثبات تساوی زن و مرد در احکام شرعی «لا ما خرج بالدلیل» - به عنوان یک «مبنا»، بیش از این، جز به صورت اشاراتی

۱. مجتبی ملکی اصفهانی، فرهنگ اصطلاحات اصول، ج ۲، ص ۹-۱۰.

۲. ر.ک: محمد فاکر، قواعد التفسیر، ص ۳۴.

۳. ر.ک: احمد بن فارس، مقایيس اللげ/حسین راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ماده «سوی» / علی اکبر دهخدا، لغتنامه، مدخل «تساوی» و «مساویات».

۴. ر.ک: میر عبد الفتاح حسینی مراغی، العنایون الفقہیه، ص ۲۰ / محمد حسن بجنوردی، القواعد الفقہیه، ج ۲، ص ۵۳.

۵. ر.ک: محمدعلی انصاری، الموسوعة الفقہیة الميسرة، ج ۳، ص ۳۰۳ و ۳۰۶.

۶. ر.ک: منوچهر صانعی دره بیدی، مقاله «برابری (تساوی) در حقوق بشر و پیشینه تاریخی آن»، ص ۱-۲.

۷. ر.ک: محمد علی انصاری، همان، ص ۹-۳۰.

پراکنده در کتب و مقالات، سابقه ندارد، البته معودی از بزرگان، مثل آیت الله وحید بهبهانی، در باره قاعده اشتراک تاملاتی داشته اند^۱ و گاه در موارد بسیار اندک، تساوی زن و مرد به عنوان یک اصل، مورد انکار واقع شده است.^۲

ضرورت اثبات اصل تساوی

۱. دست یابی به مبنای حکم در احکام شرعی مربوط به زنان: اگر تساوی زن و مرد در احکام شرعی-الا ما خرج بالدلیل - به عنوان یک اصل اثبات گردد، در بسیاری مسائل مستحدثه می‌تواند مبنای اجتهاد قرار گیرد؛ یعنی در مواردی که شک می‌شود آیا حکم زن با مرد، مساوی یامتفاوت است و دلیل خاصی بر تفاوت حکم در منابع یافت نشد، مجتهد می‌تواند با تکیه بر «اصل تساوی»، به اشتراک حکم مرد و زن در آن مورد خاص حکم کند و در نتیجه اثبات «تفاوت و عدم تساوی» نیازمند اقامه دلیل خواهد بود.

۲. پاسخ گویی به شباهت فمینیست های غربی و مسلمان: فمینیست های غربی، در مسائل مربوط به زنان، شباهتی را مبنی بر تبعیض و عدم عدالت میان زن و مرد در شریعت اسلام مطرح نموده و به برخی آیات و روایات استناد نموده و در واقع اساس احکام اسلامی را «تبعیض میان زن و مرد» می‌دانند. اصل تساوی که بر دلایل محکمی از فطرت، عقل، قرآن، سنت، و... استوار است می‌تواند پاسخ گوی این گونه از شباهت باشد و دامن اسلام را از شبۀ اعمال تبعیض میان زن و مرد مبرأ سازد. از سوی دیگر این اصل نشان میدهد که بر خلاف نظرات فمینیسم اسلامی همه جا نمی‌توان تساوی احکام زن و مرد را اثبات نمود؛ زیرا «اصل، بر تساوی است الا ما خرج بالدلیل»؛ در واقع اصل تساوی دیدگاهی متعادل و معقول را بر اساس فطرت، عقل و نقل ارائه میدهد.

۳. رفع تعارض روایات: اخبار فراوان و متفاوتی در مورد زنان وجود دارد که در موارد بسیاری با هم متعارضند، برخی از آنها در موضوع مذمت زن بوده و برخی فضیلت زن را بیان می‌کنند. اصل تساوی زن و مرد در این دو دسته روایات، به عنوان یکی از مرجحات مهم، می‌تواند مبنای حل تعارض قرار گیرد.

اصل تساوی چیست؟

تساوی در اسلام، از ارکان بنیادین و بدیهی دین است. آیت الله جوادی آملی معتقدند: «حکم اسلام به تساوی حقوق است، مگر آنجا که خود اسلام ارزش خاصی را پذیرفته باشد؛ یعنی اولاً همه در برابر قانون الهی مساوی‌اند و ثانیاً قانون همگان یکی است، مگر مواردی که خداوند افزایش یا کاهش عادلانه‌ای را دستور داده باشد».^۳

اصل تساوی مصاديق متعدد دارد، مثل تساوی انسانها از نظر شخصیت انسانی، تساوی عالم و جاهل، کافر و مسلمان، غایب و حاضر، غیر معصوم و معصوم در تکلیف. مساوات زن و مرد در احکام شرعی یکی دیگر از مصاديق اصل تساوی است که می‌گوید: «زن و مرد در تمام احکام شرعی (حقوق و تکالیف) با هم برابرند، مگر مواردی که با دلیل خاص از این عمومیت خارج شده باشد». براساس اصل مذکور آن دسته از احکام شرعی که موضوع انسان - بدون نظر به جنسیت - است، میان زن و مرد مشترک بوده و در آنها اصل تساوی جاری می‌گردد که بیشتر احکام شرعی را در بر می‌گیرد، ولی آن دسته از احکامی که موضوع آنها «جنسیت» باشد برای زن و مرد متفاوت می‌باشد، مانند برخی احکام در باب دیه، ارث، شهادت و... در چنین مواردی وجود دلیل خاص، مانع از اجرای اصل تساوی می‌شود یا به تعبیر دقیق‌تر باید گفت «شرط اصل تساوی» وجود ندارد؛ بنابراین از نظر اسلام، نظام حقوقی واحد بر همه انسان‌ها حاکم است.

دلایل اصل تساوی

در علم فقه، برای استنباط احکام از اصول لفظیه، اصول عملیه، قواعد فقهیه و... استفاده می‌شود که مبنی بر ادله مختلف؛ یعنی کتاب، سنت، اجماع، عقل و... می‌باشد. برای اصل تساوی نیز می‌توان دلایل متعدد ذکر نمود. قبل از ارائه دلائل،

۱. ر.ک: محمد باقر وحید بهبهانی، *الفواید الحایریه*، ص ۱۵۴، الفایده ۱۲، محمد علی انصاری، *موسوعة الفقهیه المیسرة*، ج ۳، ص ۳۰۷.

۲. ر.ک: حسنعلی علی اکبریان، مقاله «تمالی در مبانی استنباط احکام زنان» مجله فقه، سال ۱۵، ش ۵۷.

۳. عبدالله جوادی آملی، *تئیین*، ج ۲، ص ۶۲۲.

تذکر این نکته مهم، ضروری است که اصل تساوی به جهت آنکه «ضروری دین» است؛ نیازمند به دلیل نمی باشد و بیان دلیل برای آن از باب پیروی از سیره پسندیده محققان است که عادت دارند برای اثبات هر مطلبی به دلیل متمسک شوند.

۱. ضروری دین

اموری که جزء دین بودن آنها اثبات شده و از واصحات و بدیهیات دین می باشند، به گونه ای که عادتاً بر هیچ مسلمانی پوشیده نمی باشد و حتی برخی از غیرمسلمانان هم آن را جزء دین می دانند، ضروری دین است، به طور مثال واجب نماز ضروری دین است، اما برخی خصوصیات آن که با دلایل معتبر شرعی اثبات می شود، ضروری دین نیست.^۱ مراد از ضروری در اینجا ضروری عقلی و علمی نیست که نیاز به برهان ندارد.^۲

بسیاری از فقهاء از جمله مرحوم آیت الله نائینی^۳، آیت الله بجنوردی^۴، آیت الله خوئی^۵، آیت الله محمد سعید حکیم^۶ و...اشتراع مکلفان در جمیع احکام را از ضروریات دین می دانند. مهمترین دلایل ضروری بودن اصل تساوی عبارتنداز:

أ: تواتر دلایل نقلی؛ آیات عظام، خوبی، بجنوردی، محمد حسین غروی نائینی،^۷ شیخ انصاری^۸ و صاحب فصول^۹، به تواتر روایات مربوطه تصریح نموده اند، افرون بر اخبار، آیات متعددی هم وجود دارد که در آینده تبیین می شود.

ب: اجماع متواتر، برخی بزرگان، مثل: صاحب جواهر، سید محسن حکیم، آیت الله خویی^{۱۰} و آیت الله بجنوردی^{۱۱} یکی از از مدارک قاعدة اشتراع را اجماع قطعی محصل و منقول اصحاب دانسته اند^{۱۲}، حتی برخی از علماء، اجماع را در نظر فقهاء متواتر معرفی کرده اند^{۱۳}، بدون این که منکری وجود داشته باشد؛ یعنی به طور قطع هیچ فقیهی پیدا نمی شود که معتقد باشد؛ مبنای اسلام و احکام فقهی آن بر «اصل تبعیض» نهاده شده است! این مطلب نشان میدهد؛ اصل تساوی از ضروریات فقه بلکه از ضروریات دین است که تمام فقه بر آن استوار است.

۲. فطری بودن

علامه طباطبایی فطرت را پایه و مبنای اصل تساوی زن و مرد در حقوق و تکالیف دانسته و می نویسد: «.. مرد و زن از نظر اسلام و بر حسب آن چه قرآن اثبات می کند، مساوی اند... آن چه فطرت درباره وظایف و حقوق اجتماعی افراد اقتضا دارد این است که چون همه انسان ها دارای فطرت بشری هستند باید حقوق و وظایفشان مساوی باشد...»^{۱۴}

۱. محمد بن حسن طوسی، الاقتصاد الهدایی طریق الرشاد، ص ۱۰ / عبدالرزاق فیاض لاهیجی، گوهر مراد، ص ۳۹۹ علامه مجلسی، حق الیقین، ص ۵۵۹.

۲. عبد الله جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ص ۳۳۴.

۳. محمدحسین غروی نائینی، فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۱.

۴. محمدحسین، بجنوردی، القواعد الفقهیه ج ۲، ص ۵۵، تحقیق محمدحسین درایتی و مهدی مهریزی.

۵. ابوالقاسم خویی، مصباح الأصول، محمد واعظ حسینی، ج ۲، ص ۲۵۷.

۶. محمدسعید حکیم، المحکم فی اصول الفقه، ج ۲، ص ۷۸.

۷. ر.ک ابوالقاسم خویی، محاضرات فی اصول الفقه، تقریر بحث الخویی للفیاض، ج ۲، ص ۲۷۶ / محمد حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۶۲ / محمد حسین غروی نائینی، فوائد الاصول، ج ۱، ص ۱۷۷.

۸. مرتضی انصاری، فوائد الاصول، ج ۱، ص ۷۰.

۹. ر.ک: محمد رضا مظفر، اصول الفقه، ج ۲، ص ۳۲.

۱۰. ر.ک: محمد حسن نجفی، الجواهیر، ج ۱۳، ص ۳۳۷، ج ۱۶، ص ۴۹ ، سید محسن حکیم، المستمسک، ج ۵، ص ۳۷۱ / ابو القاسم خویی، مستند العروه (الصلاه)، ج ۳، ص ۳۹۳، ۴۰۰ (سایت مدرسه فقاهت).

۱۱. محمد حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۵۴، ۵۵.

۱۲. از نظر علمای امامیه «اجماع» دلیل مستقلی نیست و در واقع همان «سنت» است، اما معمولاً از باب «تکثیر ادلہ» از آن استفاده می شود.

۱۳. محمد حسین غروی نائینی، فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۱ / محمد رضا مظفر، اصول فقه، ج ۲، ص ۲۰، ۲۱ / محمد سعید حکیم، المحکم فی اصول الفقه، ج ۵، ص ۳۸۵.

۱۴. محمدحسین، طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۲۷۴.

علیه و آله و سلم)، امام (علیه السلام) یا عالمی، مسأله‌ای را می‌پرسیدند، بعد از گرفتن جواب، آن را برای سایر مکلفان نقل می‌کردند^۱؛ بنابراین اشتراک در تکلیف از سیره مسلمانان بلکه بالاتر، از سیره سایر متدینان در جمیع ادیان است.^۲

۱۱. استصحاب

برخی علماء با وجود دلایل فراوان عقلی و نقلی و بی‌نیازی از «اصل عملی»، برای استحکام مطلب، به استصحاب استناد جسته‌اند؛ توضیح آن که وقتی شارع، فرد یا گروهی را به انجام یا ترک عملی امر یا نهی می‌کند، جمیع کسانی که در آن زمان موجودند - اعم از زن و مرد - محکوم به آن حکم هستند؛ بنابراین اگر در بقای همان حکم، نسبت به افراد زمانهای بعد شک شود، استصحاب جاری گشته و حکم شارع برای زن و مرد در زمانهای بعد باقی می‌ماند، البته این نکته قابل توجه است که ادله بقای احکام شریعت اسلام، تا روز قیامت - که در دلیل روایات چند نمونه از آنها ذکر شد - بر دلیل استصحاب «حکومت» دارند.^۳

۱۲. شواهد حقوقی

از نظر حقوق دانان، حقوق اساسی، رشته‌ای از علم حقوق است که در آن از سازمان عمومی دولت و...، حقوق و آزادی فردی و اجتماعی و ... گفتوگو می‌شود. برابری در حیثیت انسانی و برابری در حقوق یک رکن مهم حقوق اساسی است.^۴

اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر اسلامی و قانون اساسی ایران نیز به طور روشن بر اصل تساوی دلالت دارد. برخی آرای غیرمحققانه حاکی است که در ایران و سایر فرهنگ‌های باستانی، مانند هند و مصر و در ادیان الهی؛ یعنی یهود، مسیحیت و اسلام هیچ خبری از اصل برابری نیست و نخستین بار در آثار دکارت و جان لاک نشانه‌های اعتقاد به برابری انسان‌ها آشکارشده است!^۵ گویا صاحب این سخن، به پایه‌های محکم اصل تساوی؛ یعنی فطرت، دلیل عقلی، سیره عقلاء، آیات، روایات، ضروری دین، و... توجه نکرده است.

مساوات مورد نظر قرآن، شامل دو قسمت عمده «مساوات در اصل انسانیت» و «مساوات در حقوق» می‌باشد. اصل مساوات، نخستین پایه نظام اجتماعی اسلام است و ادیان و مکتب‌های فلسفی دیگر تا این حد برابر انسان، ارزش اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی قائل نشده است.^۶ قرآن سرشار از بیان مسائل حقوقی در تمام زمینه‌ها است: حق حیات، حق کرامت انسانی، حق عدالت، حق امنیت، حق برابری، حق آزادی و... به طور طبیعی و منطقی، حقوق آن جا پدید می‌آید که انسان‌ها با یکدیگر برابر فرض شوند.

در جهان غرب، هدف اعلامیه جهانی حقوق بشر (دسامبر ۱۹۴۸)، برقاری و تضمین حقوق و آزادی‌های برابر برای همه مردم بود^۷ و «اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام» (سال ۱۹۹۰) از برخی آیات قرآن کریم الهام گرفته و سرلوحة حقوق بشر اسلامی آیه ۱۳ حجرات است: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انشی و جعلناکم شعبوأ و قبایل لتعارفوأ...».

در ماده یک اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره آمده است: «افراد بشر به طور کلی یک خانواده می‌باشند که بندگی نسبت به خداوند و فرزندی نسبت به آدم، آن‌ها را گردآورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی، تکلیف و مسئولیت برابرند، بدون هیچ گونه تبعیض از لحاظ نژاد، رنگ، زبان، جنس، اعتقاد دینی، وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و...». خلاصه مفاد

۱. محمدحسن نجفی، الجواهر، ج ۱۳، ص ۳۳۷ و ج ۱۶، ص ۴۹.

۲. میر عبد الفتاح حسینی مراغی، العناوین الفقهیه، ص ۲۴ / سید محسن حکیم، المستمسک، ج ۵، ص ۳۷۱.

۳. ر.ک: محمد حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۵۵.

۴. ر.ک: منوچهر طباطبایی مؤتمنی، حقوق اساسی، ص ۲۰۱.

۵. منوچهر صانعی دره بیدی، «برابری (تساوی) در حقوق بشر و پیشینه تاریخ آن»، دانشگاه شهید بهشتی.

۶. عباسعلی، عمید زنجانی، دانشنامه فقه سیاسی، ج ۱، ص ۴۰۴.

۷. متن حقوق بشر، اینترنت/ ر.ک: علی باقری، مقاله «اعلامیه جهانی حقوق بشر و ...»، دانشگاه مفید.

ماده یک، تساوی همه مردم در اصل کرامت انسانی و در اصل تکلیف و مسئولیت و عدم تأثیرگذاری اموری مانند: رنگ، نژاد، جنسیت و... در این دو اصل است.^۱

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: همه افراد ملت اعم از زن و مرد، به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند واز همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.^۲

علامه جعفری بر این باور است : از آن جا که مبنای حقوق بشر در اسلام، دین فطری ابراهیمی (علیه السلام) است و همه ادیان آسمانی خود را وابسته به آن می دانند؛ جهانی بودن تکالیف و حقوق بشر را بهتر می توان اثبات کرد^۳ وی معتقد است نقاط مشترک بین حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر غرب بیش از ۸۵٪ است.^۴ حقوق دانان مسلمان از جمله علامه محمدتقی جعفری و دکتر ارسطا اصل تساوی را به عنوان اصل اولیه پذیرفته اند.^۵

- نتیجه گیری

از مباحث بیان شده نتایج ذیل بدست می آید:

- ۱- اصل تساوی، ریشه در توحید دارد.
- ۲- تساوی زن و مرد در احکام شرعی، فراتر از «اصل»، «قاعده» و «قانون» به اصطلاح متداول است و اماره، اصل عملی یا قاعدة فقهی نیز نبوده ، بلکه آن را باید از «مبانی فقه» و بالاتر از آن ؛ یعنی روح تمام قوانین و از مبانی مکتب اسلام دانست که در تمام ابواب فقهی و غیر فقهی کاربرد دارد.
- ۳- اصل تساوی زن و مرد در احکام (قاعده اشتراک)، به قدری بدیهی و ضروری است که بسیاری از اندیشمندان بدان تصریح نکرده اند؛ یعنی جزء ضروریات دین بوده، نیاز به تصریح ، دلیل و اثبات نداشته هرچند دلایل فطری، عقلی، نقلی و ... بر آن اقامه شده است.
- ۴- اگر موضوع حکم شرعی، انسان باشد، اصل تساوی جاری می شود و هنگامی که جنسیت در موضوع حکم دخیل باشد، این اصل اجرا نمی گردد.

نکته: بررسی تفصیلی ارتباط موضوع «تساوی احکام میان زن و مرد» با اماره و اصول عملی و نحوه پیوند آن با توحید و عدل، مجالی دیگر می طلبد.

منابع

- قرآن
- نهج البلاغه، سید رضی، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴.
- ۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴.
- ۲- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، بی جا، بی نا، ۱۳۱۶ق.
- ۳- ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللげ، قم، مکتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۴.
- ۴- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹.

۱. ر.ک: محمدمجود ارسلان، درس خارج فقه، شبکه اجتهداد.
۲. ر.ک: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۰.
۳. رضا زهروی، مقاله: «مقایسه اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اعلامیه حقوق بشر غرب»، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ، تاریخ انتشار ۱۳۹۰/۰۵/۳.

۴. محمدتقی، جعفری، گفتگو با دکتر اروین پار، تحت عنوان «موضوع حقوق بشر از دیدگاه غرب» (به نقل از اصغر صابری، مقاله «جایگاه حقوق بشر در در اسلام»، سایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی).

۵. ر.ک: محمدمجود ارسلان، درس خارج فقه، شبکه اجتهداد/ رضا زهروی، همان.

- ٥- ابن منظور، محمدبن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار الفكر، ١٤١٤.
- ٦- اربيلی نجفی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، مؤسسه نشر وابسته به جامعه مدرسین، قم، ١٣٦٢.
- ٧- ارسطا، محمدجواد، درس خارج فقه، شبکه اجتهاد.
- ٨- امینی، عبدالحسین، الغدیر، قم، مرکز الغدیرللدراسات الاسلامیه، ١٤١٦.
- ٩- انصاری، محمدعلی، الموسوعة الفقهیة المیسرة، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ١٤١٥.
- ١٠- انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج٥، قم: موسسه النشر الاسلامی جامعه مدرسین،
- ١١- آلوسی، محمود ، روح المعانی، بيروت، دار الكتب العلمیه، ١٤١٥.
- ١٢- باقری، علی، مقاله «اعلامیة جهانی حقوق بشر و...»، دانشگاه مفید.
- ١٣- بجنوردی، محمدحسن، القواعد الفقهیه ، تحقیق محمدحسین درایتی و مهدی مهریزی، قم، الهادی، ١٤١٩
- ١- بجنوردی ، محمد ، « ملاک حقوق زنان و مردان،كتاب نقد؛شماره ١٧هـ ؛ سال ١٣٧٩
- ١٥- تهانی، محمد علی،موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، مکتبه لبنان، ١٩٩٦
- ١٦- جوادی آملی، عبد الله ، سرچشمہ اندیشه، ج٤، ج٥، نشر اسراء، ١٣٨٩.
- ١٧- جوادی آملی، عبد الله ، تسنیم، ج٧، ج٢، نشر اسراء، ١٣٨٩.
- ١٨- جوادی آملی، عبد الله ، شریعت در آینه معرفت. ج٥، نشر اسراء، ١٣٨٦.
- ١٩- جوادی آملی، عبد الله ، جامعه در قرآن، ج٣، نشر اسراء، ١٣٨٩.
- ٢٠- جوادی آملی، عبد الله، فلسفه حقوق بشر، ج٦، نشر اسراء، ١٣٨٩.
- ٢١- جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، ج٣، نشر اسراء، ١٣٨٨.
- ٢٢- جوادی آملی، عبدالله، فطرت در قرآن، ج٣، نشر اسراء، ١٣٨٤.
- ٢٣- حر عاملی، محمدبن حسن،وسایل الشیعه، قم، موسسه آل البت(ع)، ١٤٠٩.
- ٢٤- حرّانی، حسن بن علی ، تحف العقول عن آل الرسول، قم، جامعه مدرسین، ١٤٠٤.
- ٢٥- حسینی مراغی، میر عبد الفتاح،العنایون الفقهیه، قم، موسسه النشر الاسلامی، ١٤١٧.
- ٢٦- حکیم، محسن، المستمسک العروه الوثقی، ج٤ ف قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ١٤٠٤ .
- ٢٧- حکیم، محمدسعید، المحکم فی اصول الفقه، قم، موسسه المنبار، ١٤١٤.
- ٢٨- حکیمی، محمد رضا، الحیاء ، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ١٣٧٧.
- ٢٩- حکیمی، محمدرضا،محمدعلی، الحیاء، تهران:دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ١٣٦٧.
- ٣٠- خراسانی، محمد کاظم، کفایة الاصول، قم:موسسه نشر الاسلامی، ١٤١٢.
- ٣١- خمینی، روح الله ، صحیفه امام، ج٥، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ١٣٧٨.
- ٣٢- خویی، ابو القاسم ، مستند العروه، (سایت مدرسه فقاهت).
- ٣٣- خویی، ابو القاسم، مصباح الاصول،تقریر بحث الخویی، محمد واعظ حسینی،ج٥،قم: مکتبه الداوري، ١٤١٧.
- ٣٤- خویی، ابوالقاسم ، محاضرات فی اصول الفقه،تقریر بحث الخویی للغایض،
- ٣٥- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه ١٣٧٣.

- ۳۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.

-۳۷- زهروی، رضا، مقاله: «مقایسه اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اعلامیه حقوق بشر غرب»، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ، تاریخ انتشار ۱۳۹۰/۵/۳.

-۳۸- سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

-۳۹- سایت ویکی پدیا ، ، متن حقوق بشر.

-۴۰- سبحانی، جعفر، درس خارج فقه، ۹۲/۶/۲۳.

-۴۱- سبزواری، عبد الاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۷، ۱۴۱۲.

-۴۲- سید بن قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت- قاهره، دارالشرق، ۱۴۱۲.

-۴۳- صابری، اصغر، مقاله «جایگاه حقوق بشر در اسلام»، سایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

-۴۴- صانعی دره بیدی، منوچهر، «برابری (تساوی) در حقوق بشر و پیشینه تاریخ آن»، دانشگاه شهید بهشتی .

-۴۵- صدر، رضا، تفسیر سوره حجرات، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۳۸.

-۴۶- صدر، محمدباقر، الاسلام یقود الحياة، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، ۱۴۲۱ق.

-۴۷- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

-۴۸- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، قم انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

-۴۹- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اساسی.

-۵۰- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

-۵۱- طوسي، محمدبن حسن، تهذیب الأحكام، محقق حسن موسوی، تهران، دارالكتب الاسلامية، ۱۴۰۷.

-۵۲- طوسي، محمدبن حسن، الاقتصاد الى طريق الرشاد،

-۵۳- عراقی ، ضیاء الدین، تفییح الاصول.

-۵۴- علی اکبریان، حسنعلی، مقاله «تأملی در مبانی استنباط احکام زنان» مجله فقه، سال ۱۵، ش ۵۷.

-۵۵- عمید زنجانی، عباسعلی، دانشنامه فقه سیاسی، تهران:موسسه انتشارات دانشگاه، ۱۳۸۹.

-۵۶- غروی نائینی، محمدحسین، فوائد الاصول، قم:موسسه نشر اسلامی،بی تا.

-۵۷- غروی نائینی، محمدحسین، تنبیه الامة و تنزیه الملء، سایت اهل البيت (عليهم السلام).

-۵۸- فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیه، چاپ دوم، قم، نشر اعتماد، ۱۴۲۵.

-۵۹- فاکر میبدی، محمد، قواعد التفسیر لدى الشیعه و السنه، تهران:المجمع العالمی لتقریب المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۸.

-۶۰- فیاض لاهیجی، عبدالرزاق ، گوهر مراد، تهران، اسلامیه، ۱۷۷.

-۶۱- قرطبي، محمد بن احمد، تفسیر الجامع لاحکام القرآن(قرطبي)، بیروت، داراحیا التراث العربي، ۱۴۰۵.

-۶۲- قمی، شیخ عباس سفینه البحار، موسسه انتشارات فراهانی،بی تا.

-۶۳- کلینی، محمد بن یعقوب ،اصول الكافی، تهران، دارالكتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.

-۶۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ۱۴۰۳.

-۶۵- مجلسی، محمد باقر، حق الیقین .

-۶۶- مشکینی، علی، اصطلاحات اصول، چ ۱۰، قم:نشر الهادی، ۱۳۸۶.

- ۶۷- مطهری، مرتضی ، مجموعه آثار، ج ۳، چ ۸، (فطرت)، تهران- قم، صدرا، ۱۳۷۷ش.
- ۶۸- مظاہری، حسین، درس خارج فقه، اسفندماه ۱۳۸۵. سایت مدرسه فقاهت.
- ۶۹- مظفر، محمد رضا ،أصول الفقه، قم، دار الكتب العلمية، بی تا.
- ۷۰- مکارم، ناصر ، درس خارج ، ۱۳۹۳/۷/۱۱، سایت شفقنا (پایگاه بین المللی همکاری‌های خبری شیعه).
- ۷۱- ملکی اصفهانی، مجتبی، فرهنگ اصطلاحات اصول، قم، عالمه، ۱۳۷۹ش.
- ۷۲- مهریزی، مهدی، «گزارش تحلیلی از کتب الفروق بین الرجل و المرأة»، فصلنامه آینه پژوهش، شبکه شارح.
- ۷۳- نجفی، محمدحسن، جواهرالكلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران: دارالكتب الاسلامیه، بی تا.
- ۷۴- نوری همدانی، حسین ، جایگاه بانوان در اسلام،
- ۷۵- وحید بهبهانی، محمد باقر، الفواید الحایریه، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵.